

می‌گفته است ابن عباس برای ما نقل کرد که \* چون مادر سعد بن عباد درگذشت، سعد در مدینه نبود. بعد به حضور پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا مادرم درگذشته است و من نبودم. آیا اکنون اگر صدقه‌ای از سوی او بدهم برای او سودی خواهد داشت؟ فرمود: آری. گفت: شما را گواه می‌گیرم که نخلستان مخزاف من وقف اوست.

عمرو بن عاصم کلایی از همام، از قتاده، از سعید بن مسیب نقل می‌کند \* سعد بن عباد به حضور پیامبر (ص) آمد و گفت: مادرم درگذشته و وصیت نکرده است. آیا اگر من از طرف او صدقه بدهم برای او سودمند خواهد بود؟ فرمود: آری. سعد گفت: چه صدقه‌ای را شما بیشتر دوست دارید؟ فرمود: آب آشامیدنی.

ابوالولید هشام هم برای ما از شعبه، از قتاده، از سعید بن مسیب همین‌گونه نقل می‌کرد که \* چون مادر سعد بن عباد درگذشت، سعد از پیامبر (ص) پرسید کدام صدقه از همه برتر است؟ فرمود: آشامیدن آب.

عمرو بن عاصم از سوید پدر حاتم صاحب‌الطعام نقل می‌کند که می‌گفته است \* نزد حسن بصری بودم و شنیدم مردی از او پرسید آیا از این سقاخانه‌ای که در مسجد پیامبر (ص) است و آب آن صدقه است بیاشامم؟ حسن بصری گفت: ابوبکر و عمر از این سقاخانه مادر سعد بن عباد آب می‌آشامیدند، حالا تو مساله می‌پرسی؟ ساکت باش.

واقدی از معمر و محمد بن عبدالله، از قول زهری، از عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه، از ابن عباس، از عمر بن خطاب نقل می‌کند \* چون خداوند پیامبر خود را قبض روح فرمود، انصار در سقیفه بنی ساعده جمع شدند. سعد بن عباد هم همراهشان بود و با یکدیگر رایزنی کردند که با سعد بن عباد بیعت کنند و این خبر به ابوبکر و عمر رسید. آن دو درحالی که گروهی از مهاجران همراهشان بودند، بیرون آمدند و خود را آنجا رساندند و میان ایشان گفتگو و سخنانی درباره بیعت سعد بن عباد رد و بدل شد. سخنگوی انصار برخاست و گفت: من شاخ پربار و خردمند انصارم باید امیری از ما و امیری از شما باشد. در این هنگام صداها بلند شد و هیاهو فراوان بود من (عمر بن خطاب) به ابوبکر گفتم: دست فراز آر و او دست پیش آورد. من با او بیعت کردم. مهاجران و انصار هم با او بیعت کردند و بر سعد بن عباد که خود را در پارچه پیچانده و میان ایشان بود هجوم بردیم. گفتم: سعد چگونه است؟ گفتند: بیمار و دردمند است، و کسی از انصار گفت: شما که سعد بن عباد را کشتید. گفتم: خدا او را بکشد؟ عمر می‌گفته است: در کاری که برای ما پیش آمده بود، هیچ چیزی بهتر از

بیعت با ابوبکر نبود که ترسیدیم اگر برگردیم و برای ابوبکر بیعت صورت نگیرد، انصار پس از ما با کسی بیعت کنند و بعد ما ناچار بودیم یا با کسی که راضی نیستیم بیعت کنیم یا با آنان مخالفت کنیم که در آن صورت فساد و تباهی می بود.<sup>۱</sup>

واقعی از محمد بن صالح، از زبیر بن منذر بن ابی اُسَید ساعدی نقل می کند \* ابوبکر به سعد بن عباده پیام فرستاد که بیا و بیعت کن که مردم و خویشاوندان تو بیعت کرده اند. پاسخ داد نه به خدا سوگند بیعت نمی کنم تا آنکه تمام تیرهای تیردان خود را به شما بزنم و با هر کس که از من پیروی کند و اقوام خود و خاندانم با شما جنگ کنم. چون این پاسخ به ابوبکر رسید بشیر بن سعد<sup>۲</sup> گفت: ای خلیفه رسول خدا همانا سعد بن عباده از بیعت خودداری و لج کرده است و او با شما تا پای جان بیعت نمی کند و اگر او کشته شود فرزندان و خاندانش هم با او ایستادگی می کنند تا کشته شوند و آنان کشته نخواهند شد مگر اینکه تمام قبیله خزرج کشته شوند و خزر جیان کشته نخواهند شد مگر اینکه قبیله اوس هم با ایشان کشته شوند. اکنون که کار شما استوار شده است، او را تحریک نکنید که اگر به حال خودش واگذارید، تنهاست و زبانی برای شما ندارد.<sup>۳</sup> ابوبکر اندرز بشیر را پذیرفت و سعد را رها کرد. چون عمر خلیفه شد، روزی او را در راه دید و با تحقیر او را صدا زد و گفت: «آهای سعد» و سعد هم همان گونه پاسخ داد. عمر گفت: تو همانی که آن کار را کردی؟ گفت: آری من همانم، اکنون هم که فرماندهی به دست تو رسیده است و به خدا سوگند رفیقت را (ابوبکر) از تو بیشتر دوست می داشتیم و به خدا سوگند از همسایگی و مجاورت تو خوشم نمی آید. عمر گفت: کسی که از همسایگی دیگری ناخشنود است، از آنجا کوچ می کند و می رود. سعد گفت: من هم این موضوع را نمی خواهم فراموش کنم و به همسایگی کسانی می روم که از تو بهترند. گوید، اندکی بعد سعد بن عباده به شام هجرت کرد و این در

۱. خوانندگان ارجسند ملاحظه می فرمایند که عجیب یعنی بوده است. مورد توافق و اجماع همگان؟! و بدون هیچ گونه مخالفت و با کمال میل و آزادی و شرکت همگان؟! و برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به، ابوبکر جوهری، السقیفه و فدک، تهران، چاپ ۱۴۰۱ ق - م.

۲. بشیر بن سعد بن ثعلبه از قبیله خزرج و گویند نخستین کسی است که از انصار در سقیفه با ابوبکر بیعت کرد. در سال دوازدهم به روزگار حکومت ابوبکر در جنگ عین التمر کشته شد. برای اطلاع بیشتر، رک: ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۹۵ - م.

۳. از این گفتگو معلوم می شود که زمینه پیام برضد ابوبکر فراهم بوده است، خود بشیر از خزرج است و می بیند که می گوید همه خزرجیان و اوسیان کشته خواهند شد - م.

آغاز حکومت عمر بود و سعد بن عبادۀ در حَوْران<sup>۱</sup> درگذشت.

واقدی از یحیی بن عبدالعزیز بن سعید بن سعد بن عبادۀ از قول پدرش نقل می‌کند که می‌گفته است \* سعد بن عبادۀ در حوران که از سرزمینهای شام است، دو سال و نیم پس از حکومت عمر درگذشته است. واقدی می‌گوید: گویا در سال پانزدهم درگذشته است. عبدالعزیز می‌گوید: متوجه مرگ او در مدینه نشدند تا آنکه گروهی از پسر بچه‌ها که در گرمای سخت نیمروزی در کنار چاه آب منبه یا سکن مشغول بازی بودند شنیدند از میان چاه کسی می‌گوید:

«همانا سرور خزرج سعد بن عبادۀ را کشتیم و دو تیر به او زدیم که نشانهٔ ما قلب او بود و خطا نکردیم.»<sup>۲</sup>

کودکان ترسیدند و آن روز را به خاطر سپردند و معلوم شد همان روزی بوده که در آن روز سعد بن عبادۀ کشته شده است. گوید: سعد بن عبادۀ کنار راه باریکی نشسته بود که ادرار کند او را کشته‌اند و هماندم درگذشته است و دیده‌اند که تمام پوست بدنش سبز شده است.

یزید بن هارون از سعید بن ابی عروبه نقل می‌کند که می‌گفته است شنیدم محمد بن سیرین می‌گفت \* سعد بن عبادۀ ایستاده ادرار کرد، و چون برگشت به یاران خود گفت: در خود احساس رخوت و سستی می‌کنم و درگذشت و شنیدند جنیان همان بیت فوق را می‌خوانند.<sup>۳</sup>

## مُنْدِر بن عمرو

ابن خُنَیس بن لوذان بن عبدود بن زید بن ثعلبۀ بن خزرج بن ساعدۀ. مادرش هند دختر مندر بن جموح بن زید بن حرام بن کعب بن غنم بن کعب بن سلمه است. به روایت همگان در

۱. حَوْران، از سرزمینهای کنارهٔ غربی رود اردن، و نام آن در کتاب مقدس و هم در کتیبه‌های با خط میخی آمده است،

رک: دائرة المعارف اسلام، ج ۸، ص ۱۴۰، مقالهٔ شناوی - م.

۲. قَدْ قَتَلْنَا السَّيِّدَ الْخَزْرَجِيَّ سَعْدَ بْنَ عَبَّادَةَ

و زَمِينًا بِسَهْمِينَ فَلَمْ نُحِطْ فَوَادَةَ

۳. برای آگاهی از این توطئه به شرح خطبه ۱۸۳ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ج ۵،

به قلم این بنده، نشر نی، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۵ مراجعه فرمایید.

بیعت عقبه همراه هفتادتن انصار بوده است و یکی از سالارهای دوازده گانه انصار است. او در جنگهای بدر و احد و بثر معونه شرکت کرد و در آن شهید شد، و ما اخبار او را ضمن اخبار کسانی از بنی ساعده که در جنگ بدر شرکت کرده اند نوشتیم.

## از خاندان بنی سلمة بن سعید بن علی بن اسد بن سارده بن تزید بن چشم بن خزرج، دو مرد

### براء بن معرور

ابن صخر بن خنساء بن سنان بن عبید بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه. مادرش رباب دختر نعمان بن امرئ القیس بن زید بن عبدالاشهل بن جشم بن اوس است. فرزندان براء عبارت اند از: بشر بن براء که در بیعت عقبه شرکت داشته و در بدر هم حاضر بوده است، مادر او خلیدة دختر قیس بن ثابت بن خالد از خاندان اشجع است که از بنی دهمان شمرده می شوند. مبشر و هند و سلافه که این دو بانو مسلمان و از بیعت کنندگان اند و رباب که او هم مسلمان و از بیعت کنندگان است و مادرشان حُمیمة دختر صیفی بن صخر بن خنساء بن سنان بن عبید و از خاندان بنی سلمه است. براء بن معرور به روایت همگان در بیعت عقبه حضور داشته و یکی از نقیبان دوازده گانه انصار است. براء نخستین کسی از نقیبان است که در شب بیعت عقبه پس از دیدار با رسول خدا (ص) و انتخاب نقیبان برخاست و چنین گفت:

«سپاس خداوندی را که ما را به محمد (ص) گرامی داشت و هماهنگ فرمود، ما آخرین کسان بودیم که فرا خوانده شدیم و نخستین گروه بودیم که پاسخ دادیم و پذیرفتیم، فرمان خدا و رسولش را پاسخ دادیم و شنیدیم و فرمان بردیم. ای گروه اوس و خزرج خداوند شما را به دین خود گرامی داشت، اگر می خواهید مطیع و شنوا و یاری دهنده باشید، شکر و سپاسگزاری در این است که خداوند و پیامبرش را اطاعت کنید.» و نشست.

واقدی از محمد بن عبدالله، از زهری، از پسر کعب بن مالک نقل می کند که می گفته است: \* براء بن معرور نخستین کسی بود که در زندگی و مرگ خود حتی پیش از رسول خدا روی به قبله کرد. هنگامی که پیامبر (ص) هنوز در مکه بودند به او فرمان دادند که روی به بیت المقدس کند و براء اطاعت کرد ولی هنگامی که مرگش فرا رسید به اهل خود دستور داد

که او را به سوی مسجدالحرام بگردانید و چون پیامبر (ص) به مدینه هجرت فرمودند، شانزده ماه به سوی بیت المقدس نماز گزاردند، آن گاه قبله به کعبه تغییر کرد.

واقدی از کثیر بن زید، از مطلب بن عبدالله نقل می کند که می گفته است \* برای بن معرور نخستین کس است که نسبت به ثلث مال خود وصیت کرده است، و پیامبر (ص) هم اجازه فرموده اند.

واقدی از معمر، از زهری، از پسر کعب بن مالک نقل می کند \* برای بن معرور هنگام مرگ خود وصیت کرد که چون او را در گور نهند چهره اش را سوی کعبه برگردانند، و پیامبر اندکی بعد از مرگ او به مدینه آمدند و بر برای نماز میت گزاردند.

واقدی از یحیی بن عبدالله بن ابی قتاده، از مادرش، از پدرش نقل می کند \* مرگ برای بن معرور در ماه صفر و یک ماه پیش از آمدن پیامبر به مدینه اتفاق افتاده است.

واقدی از اسحاق بن خارجه، از پدرش نقل می کند که می گفته است \* آن روز که قبله مسلمانان از بیت المقدس به کعبه تغییر یافت، مادر پسر (همسر برای) گفت: ای رسول خدا این گور برای است و پیامبر (ص) با یاران خود بر آن گور تکبیر فرمود.

همچنین واقدی از یحیی بن عبدالله بن ابی قتاده، از مادرش، از قول پدرش نقل می کند که می گفته است \* نخستین کس که پیامبر (ص) پس از ورود به مدینه بر او نماز گزارد برای بن معرور بود. رسول خدا با یاران خود کنار گور او رفتند و صف نماز بستند و عرض کردند: پروردگارا او را بیامرزد و بر او رحمت فرماید و از او خشنود باش، هر چند که همین گونه فرموده ای.

اسماعیل بن ابراهیم اسدی از ایوب، از محمد بن هلال نقل می کند \* برای بن معرور پیش از آمدن رسول خدا به مدینه درگذشت و چون پیامبر به مدینه رسیدند بر گور او نماز گزاردند.

عنان بن مسلم از ابو عوانه، از ابوبشر نقل می کند که می گفته است \* مردی از اهل مدینه می گفت: پیامبر (ص) بر گور یکی از نقیبان نماز گزاردند. واقدی می گوید: برای بن معرور نخستین کس از نقیبان دوازده گانه بود که درگذشت.

## عبدالله بن عمرو

ابن حرام بن ثعلبة بن حرام بن کعب بن غنم بن کعب بن سلمة. مادرش رباب دختر قیس بن قُریم بن امیه بن سنان بن کعب بن غنم بن کعب بن سلمه است. عبدالله پدر جابر بن عبدالله انصاری است. به روایت همگان در بیعت عقبه همراه هفتادتن انصار بوده است. او یکی از نقیبان دوازده گانه انصار است. در بدر و احد شرکت کرد و در جنگ احد شهید شد. شرح حال و خبر او را ضمن بیان افرادی که از قبیله بنی سلمه در بدر شرکت کرده اند، نوشتیم.

### از خاندان قواقله، یک مَرَد

#### عبادة بن صامت

ابن قیس بن أَصْرَم بن فِهْر بن ثعلبة بن غنم بن عوف بن عمرو بن عوف بن خزرج. مادرش قره العین دختر عبادة بن نَضْلَة بن مالک بن عجلان بن زید بن غنم بن سالم بن عوف بن عمرو بن عوف بن خزرج است. کنیه اش ابوالولید است. در بیعت عقبه همراه هفتادتن انصار بوده است و یکی از نقیبان دوازده گانه است. در بدر و احد و خندق و تمام جنگهای دیگر همراه پیامبر (ص) بوده است و ما اخبار او را ضمن شرح حال افراد خاندان قواقله که در بدر شرکت کرده اند آوردیم.

### از خاندان زُرَیق بن عامر بن زُرَیق بن عبد حارثه بن مالک بن غُضْب بن جُشَم بن خزرج، یک مرد

#### رافع بن مالک بن عجلان

ابن عمرو بن عامر بن زُرَیق. مادرش ماویة دختر عجلان بن زید بن غنم بن سالم بن عوف بن عمرو بن عوف بن خزرج و کنیه او ابومالک است. رافع بن مالک دارای سه پسر به نامهای

رفاعه و خلاد و مالک بوده است که مادرشان ام مالک دختر اُبی بن مالک بن حارث بن عبید بن مالک بن سالم حُبَلی است. رافع بن مالک هم از افراد کامل است و در اصطلاح دوره جاهلی «کامل» کسی است که خط می نوشته و شنا و تیراندازی را نیکو می دانسته است، و رافع این چنین بوده است، با آنکه نگارش میان ایشان اندک بوده است. گفته می شود، رافع بن مالک و معاذ بن عفراء نخستین کسان از انصارند که با پیامبر (ص) در مکه ملاقات کردند و مسلمان شدند و اسلام را به مدینه آوردند، و در این مورد روایتی هم برای آن دو نقل شده است. رافع را همچنین از هشت تن یا شش تنی که گفته می شود نخستین کسان از انصارند که مسلمان شده اند و پیش از ایشان کسی مسلمان نشده است، شمرده اند. واقدی می گوید: موضوع شش تن صحیح تر اقوال در نظر ماست و خداوند داناتر است.

به روایت همگان رافع در بیعت عقبه همراه هفتاد تن انصار بوده است. او یکی از نقیبان دوازده گانه انصار است. رافع در جنگ بدر شرکت نکرده است، ولی دو پسرش رفاعه و خلاد در بدر شرکت کرده اند. رافع در جنگ اُحد شرکت کرد و در آن جنگ در ماه شوالی که سی و دومین ماه هجرت بود شهید شد.

واقدی می گوید عبدالملک بن زید که از فرزندانگان سعید بن زید بن عمرو بن نفیل است، از قول پدرش نقل می کرد \* پیامبر (ص) میان رافع بن مالک زُرَقی و سعید بن زید عقد برادری منعقد فرمود.

اینان که بر شمردیم نقیبان دوازده گانه ای هستند که رسول خدا (ص) در شب بیعت عقبه آنان را به نقابت بر قوم خودشان از انصار منصوب فرموده اند.

## موضوع کلثوم بن هذم عمّری و تنی چند که روایت کرده اند در جنگ بدر شرکت داشته اند و ثابت نیست

### کلثوم بن هذم

ابن امری القیس بن حارث بن زید بن عبید بن زید بن مالک بن عوف بن عمرو بن عوف بن مالک بن اوس.

واقدی از مجمّع بن یعقوب، از سعید بن عبدالرحمن بن رُقیش، از عبدالرحمن بن

یزید بن جاریة، از عمویش مجتبع بن جاریه، همچنین واقدی از ابوبکر بن عبدالله بن ابی سبیره، از عثمان بن وثاب آزاد کرده خاندان حمزه، از ابی غطفان، از ابن عباس نقل می‌کند که هر دو می‌گفته‌اند: \* کلثوم بن هدم مردی شریف و پیری سالخورده بود و پیش از آنکه رسول خدا به مدینه بیایند مسلمان شد و چون پیامبر (ص) به مدینه هجرت کرد و نخست در محله بنی عمرو بن عوف سکونت فرمود، به خانه کلثوم منزل کرد، ولی برای گفتگو با مردم به خانه سعد بن خیشمه تشریف می‌آورد، و خانه سعد معروف بود به خانه افراد مجرّد. واقدی می‌گوید: به همین جهت برخی گفته‌اند که رسول خدا در خانه سعد بن خیشمه اقامت فرموده‌اند و حال آنکه در نظر ما قول صحیح آن است که در خانه کلثوم بن هدم ساکن بوده‌اند. گروهی از یاران رسول خدا هم در خانه کلثوم بن هدم منزل کرده‌اند که از جمله ایشان ابو عبیده بن جراح، مقداد بن عمرو، خباب بن ارت، سهیل و صفوان پسران بیضاء و عیاض بن زهیر و عبدالله بن مخزّمه و وهب بن سعد بن ابی سرح و معمر بن ابی سرح و عمرو بن ابی عمرو از خاندان محارب بن فهر و عمیر بن عوف آزاد کرده سهیل بن عمرو هستند و تمام ایشان هم در جنگ بدر شرکت کرده‌اند.

پس از آمدن رسول خدا (ص) به مدینه چیزی نگذشت که کلثوم بن هدم درگذشت و این اندکی پیش از خروج پیامبر (ص) برای جنگ بدر بوده است. هیچ‌کس در باره مسلمانی کلثوم بن هدم شک و تردیدی نکرده و او مردی نیکوکار بوده است.

## حارث بن قیس

ابن هیثه بن حارث بن اُمّیه بن معاویه بن مالک بن عوف بن عمرو بن عوف بن مالک بن اوس. مادرش زینب دختر صیفی بن عمرو بن زید بن جشم بن حارثه بن حارث بن اوس است. برادرش حاطب بن قیس کسی است که در باره او میان اوس و خزرج جنگی درگرفت که به جنگ حاطب معروف است.<sup>۱</sup> حاطب برادر پدر و مادری حارث است. برادر دیگری هم به نام عتیک داشته است و حارث و حاطب و عتیک پسران قیس هستند و حارث و حاطب عموهای جبر بن عتیک هستند. عبدالله بن محمد بن عماره انصاری می‌گوید: حارث

۱. برای اطلاع بیشتر از این جنگ که به زیان اوسیان تمام شده است، رک: ایام العرب فی الجاهلیة، محمد احمد جاد المولی بک، علی محمد بجاری، محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، ۱۳۶۱ قمری - م.



در جنگ بدر شرکت کرده است. واقدی هم می‌گوید: از کسی این مطلب را شنیده‌ام، ولی ثابت نیست. موسی بن عقبه و محمد بن اسحاق و ابو معشر او را از شرکت‌کنندگان در بدر نمی‌دانند ولی هیچ‌یک از سیره‌نویسان در اینکه برادرزاده‌اش جبر بن عتیک در بدر شرکت کرده است، شک و تردیدی ندارند. ولی در بیان نسب او اشتباهی کرده و نوشته‌اند جبر بن عتیک بن حارث بن قیس و او را به عمویش حارث نسبت داده‌اند و حال آنکه او برادرزاده حارث بن قیس است.

### سعد بن مالک

ابن خالد بن ثعلبة بن حارثة بن عمرو بن خزرج بن ساعدة بن کعب بن خزرج. مادرش از خاندان بنی سلیم است و هم گفته شده است از خانواده و فرزندزادگان جموح بن زید بن حرام که از خاندان بنی سلیم شمرده می‌شوند بوده است.

سعد پسر بی‌نام ثعلبه داشته که در جنگ احد شهید شده است و نسلی از او باقی نمانده است. دو پسر دیگر به نامهای سعد و عمرو و دختری به نام عمره داشته که مادرشان هند دختر عمرو از خاندان عذرة است. سعد پسر سعد بن مالک پسر بی‌نام سهل دارد که او هم از اصحاب پیامبر (ص) شمرده می‌شود. مادر سهل ائیه دختر حارث بن عبدالله بن کعب بن مالک بن خثعم است.

واقدی می‌گوید ابی پسر عباس بن سهل بن سعد ساعدی، از قول پدرش، از جدش نقل می‌کرد که می‌گفته است: «سعد بن مالک آماده برای خروج همراه یاران پیامبر به بدر شد که بیمار شد و درگذشت و گورش کنار خانه پسران قارظ است. گوید: رسول خدا (ص) نام او را در سهام گیرندگان از غنایم بدر منظور فرمود و سهم او پرداخت شد.

همچنین واقدی از عبدالمهیمن بن عباس، از پدرش، از جدش نقل می‌کند که می‌گفته است: «سعد بن مالک در رَوْحَاء (میان راه و بدر و مدینه) درگذشت و پیامبر (ص) سهم او را از غنایم بدر پرداخت فرمودند. واقدی می‌گوید: از کسی شنیده‌ام که می‌گفت کسی که در جنگ بدر شرکت کرده سعد پسر سعد بن مالک و پدر سهل بوده است.

عبدالله بن محمد بن عمارة انصاری در کتاب نسب انصار نام و نسب آنان را همین‌گونه که ما گفتیم آورده است و متذکر نشده است که یکی از آن دو در بدر شرکت

کرده باشد، و خیال می‌کنم علت اینکه نام نبرده همان است که اُبتی و عبدالمهیمن پسران عباس بن سهل از پدر و پدر بزرگ خود روایت می‌کنند که سعد بن مالک بیمار شده و پیش از آنکه از مدینه خارج شود درگذشته است.

یحیی بن محمد جاری از عبدالمهیمن بن عباس بن سهل بن سعد ساعدی، از پدرش نقل می‌کند که سهل بن سعد می‌گفته است \* پدرش سعد بن سعد برای پیامبر (ص) وصیت کرده بوده است و وصیت خود را بر چوبه پالان شتر خود نوشته و گفته بوده است شترش و پالان و جَل آن و پنج خروار جوی را که داشته است، تقدیم پیامبر (ص) کنند. پیامبر (ص) نخست آن را پذیرفتند و سپس به وارثان او برگرداندند.

محمد بن سعد می‌گوید: این هم از دلایل آن است که کسی که عازم رفتن به بدر بوده و درگذشته است همین سعد پسر سعد بن مالک است و چنین وصیتی برای رسول خدا کرده است. آنچه هم که اُبتی و عبدالمهیمن پسران عباس از قول پدر و پدر بزرگ خود نقل کرده‌اند که پیامبر (ص) از غنایم بدر سهم او را پرداخته‌اند ثابت نشده است و هیچ‌یک از نویسندگان تاریخ جنگهای پیامبر آن را نقل نکرده‌اند.

موسی بن عُقْبَه و محمد بن اسحاق و ابو معشر هم نه سعد بن مالک و نه پسرش سعد را از شرکت‌کنندگان در بدر نمی‌دانند و در نظر ما هم همین ثابت است که کسی از ایشان در بدر شرکت نکرده‌اند، احتمالاً یکی از آن دو آماده برای شرکت در بدر شده است، ولی پیش از حرکت درگذشته است. همان‌گونه که اُبتی و عبدالمهیمن نقل کرده‌اند، فرزندان ازادگان سعد پسر سعد بن مالک باقی هستند.

## مالک بن عمرو نجاری

در کتاب نسب انصار نگاه کردیم و نام و نسب او را نیافتیم. نام مالک بن عمرو بن عتیک بن عمرو بن مبذول آمده است، که ظاهراً عامر بن مالک بن نجار است، گویا مالک بن عمرو که ما نام او را در کتاب نسب انصار دیده‌ایم عموی حارث بن صَمَّة بن عمرو است و من خیال نمی‌کنم چنین باشد.

واقدی از یعقوب بن محمد ظفری، از پدرش نقل می‌کند که می‌گفته است \* مالک بن عمرو نجاری روز جمعه (روز قبل از جنگ اُحد) درگذشته است و چون پیامبر (ص)

وارد خانه شدند و جامه‌های جنگی خود را پوشیدند و بیرون آمدند، جنازه مالک را در محلی که جنازه‌ها را برای نماز می‌گذارند، نهاده بودند و آن حضرت بر جسد او نماز گزارند و سپس مرکوب خود را خواستند و سوار شدند که به اُحد بروند.<sup>۱</sup>

## خلاد بن قیس

ابن نعمان بن سنان بن عبید بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه. مادرش اِدام دختر قین بن کعب بن سواد از خاندان سَلَمَة است. عبدالله بن محمد بن عماره انصاری می‌گوید: خلاد بن قیس همراه برادر خود خالد بن قیس در جنگ بدر شرکت کرده است. ولی ابن اسحاق و موسی بن عقبه و ابومعشر و واقدی او را از شرکت‌کنندگان در بدر نام نبرده‌اند. من خیال نمی‌کنم شرکت خلاد در جنگ بدر صحیح باشد، زیرا اینان که گفتم به سیره و مغازی از دیگران داناترند و گفتار عبدالله بن محمد بن عماره ثابت نشده است. اسلام خلاد بن قیس از دیرباز بوده است.

## عبدالله بن خيثمة

ابن قیس بن صیفی بن صخر بن حرام بن ربیعة بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه. مادرش عایشه دختر زید بن ثعلبة بن عبید از خاندان سَلَمَة است. عبدالله بن محمد بن عماره انصاری می‌گوید: عبدالله بن خيثمة همراه دو عمویش معبد و عبدالله پسران قیس بن صیفی در بدر شرکت کرده است، ولی موسی بن عقبه و ابن اسحاق و ابومعشر و واقدی او را از شرکت‌کنندگان در بدر نمی‌دانند. گوید: عبدالله بن خيثمة درگذشته و اعقابی از او باقی نمانده‌اند.

۱. واقدی این موضوع را عیناً در مغازی خود آورده است، رک: ترجمه مغازی، ج ۱، ص ۱۵۶-م.